اکران

پیشتازی «شیار ۱۴۳» در گیشه

فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» ساخته نرگس آبیار با فروشی بالغ بر ۳ میلیارد تومان در صدر گیشه سینماهای کشور قرار دارد و همچنین فیلم سینمایی «چند متر مکعب عشق» نیز طی ۲۰ روز نمایش به فروش ۱۴۰ میلیون تومانی رسید. به گزارش فارس، در پی اعلام هفتگی گیشه فیلم‌های روی پرده و در حال اکران، فیلم سینمایی «شیار ۱۴۳» ساخته نرگس آبیار تا پایان روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه به فروش ۳ میلیارد و ۳۷۰ میلیون تومانی دست یافت. امیر قطبی، مدیر پخش موسسه فیلمیران در گفت‌وگو با خبرنگار سینمایی فارس فروش این فیلم را در تهران یک میلیارد و ۴۷۰ میلیون تومان و در شهرستان یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان اعلام کرد. «شیار ۱۴۳» ۵۴ روز است که به سرگروهی سینما آزادی در حال اکران است و ۷۵ سینما در اختیار دارد.

نگاه

به بهانه هجوم همه‌جانبه اخیر

اگر سپاه نبود!

ادامه از صفحه اول

اگر سپاه نبود، کودتای سال ۸۸، به حمام خون مبدل می‌شد و جوخه‌های ترور ۳۰ تیرماه ۶۰ بار دیگر و این بار عظیم‌تر تکرار می‌شد!

اگر سپاه نبود، با جنگیدن به روش «شکانیان»، هنوز در کف خیابان‌های تهران، با دیکتاتور دیوانه حزب بعث «صدام» دست به گریبان بودیم، از بس زمین داده و زمان خریده بودیم.

اگر سپاه نبود، امروز نام بسیاری از «آقازاده‌ها»، بویژه آقازاده‌های ساکن در جمهوری لیبرال- دموکراتیک تهران شمالی، جاسم و عبود و ابوبکر الطهرانی و... بود.

اگر سپاه نبود، داعش و تکفیریون الان تشکیل حکومت شام و ایران و عراق را جشن گرفته بودند.

اگر سپاه نبود، روستاهای محروم و دورافتاده ما، کجا راه و جاده و آب و برق و مسجد و مدرسه و درمانگاه به خود می‌دیدند؟ دولت بروکراتیک فربه و سنگین که حال تکان خوردن ندارد!

اگر سپاه نبود، از سربند زلزله «بم» تا همین امروز، چشممان به دست سازمان‌های بین‌المللی بود و منتظر دریافت صدقه کشورهای ثروتمند بودیم و جنازه‌های آوارگان بی‌پناه و هراسان و داغدار مدت‌ها بر زمین و در زیر آوارها باقی مانده بود.

اگر سپاه نبود، امروز، آقازاده‌های عافیت‌طلب و اشرافی و «فرنگ» درس‌خوانده حضرات، به جای فتنه‌گری و مانور تجمل، در سینه سرد قبرستان‌ها، خواب ابدی می‌کردند!

اگر سپاه نبود، آثار شنی تانک‌های «مرکاوا»ی اسرائیلی در سال ۲۰۰۶ بر پیکرهای خونین فرزندان حزب‌الله در جنوب لبنان، برجای مانده بود!

اگر سپاه نبود، ناموس شیعیان، مادران و دختران آزاده، به بردگی و اسارت و «جهاد نکاح» رفته بودند و در سنگرهای گرگ‌های گرسنه، هتک و دست به دست می‌شدند!

اگر سپاه نبود، آب را هم باید مثل خودروهای لوکس چند میلیاردی حضرات، وارد می‌کردیم!

همین مقدار آیا کافی نیست؟! صاحب این قلم باز هم بر این سیاهه فهرست علل موجودیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تا چند برابر می‌تواند بیفزاید...

از تربیت نوجوانان مؤمن در مساجد کشور تا تقویت زیرساخت‌های مهم علمی و آموزشی و دفاعی این آب و خاک... بله! حق دارند به سپاه حمله کنند! حق دارند سپاه را بکوبند، حق دارند پاسداران نجیب اسلام و انقلاب را سرزنش کنند! سپاه، بی‌دلیل خار چشم نشده!

هنوز هوای بلعیدن نهادهای انقلاب اسلامی همچون «جهاد سازندگی» و هضم و جذبشان در دولت، از سر آقایان نیفتاده! و حالا نوبت سپاه است! برای ما نسل سومی‌ها سوال و ابهام بزرگ این است: چرا دولت‌های برآمده از آرای این ملت، هنوز از راه نرسیده، به جای دشمن متکبر و قدارهبند و «وینچستر» به دست؛ سپاه را هدف می‌گیرند؟!

مگر آرایش دشمن را نمی‌بینید؟ از قوای «مارینز» یانکی‌های آمریکا و یگان‌های ویژه اسرائیل تا دلارهای شیوخ مرتجع وهابی، از جنایت‌های لشکر چندملیتی داعش و تکفیریون تا بهائیت و مرجعیت لندن‌نشین!... شما دیگر چرا؟

مگر علمداران و فرماندهانی همچون عزیز جعفری، قاسم سلیمانی، غلامعلی رشید، احمد کاظمی، نورعلی شوشتری، حسن باقری، محمدابراهیم همت، مهدی باکری، حسین خرازی، مهدی زین‌الدین، مرتضی صفار، احمد متوسلیان، محمود کاوه، مرتضی قربانی، محمدباقر قالیباف، علی فضلی، علی فدوی، حسین همدانی، جمال‌الدین آبرومند و هزاران ستاره همچنان فروزان جهاد و شهادت، به این آب و خاک و به ساحت حریم ولایت و به دولت‌ها و مردم شهید داده و دلبسته به آرمان امام و انقلاب، کم خدمت کرده‌اند؟! بله، چه زیبا فرمود حضرت خورشید که: «اگر سپاه نبود، کشور هم نبود...». چرا بعضی‌ها از «ستاره‌ها» می‌ترسند؟!

پایان جشنواره مردمی فیلم عمار با تقدیر از حاج‌صادق آهنگران
نغمه‌های ماندگار غیرت و حماسه را در یادها طنین‌انداز کرد

هیهات منا الذله

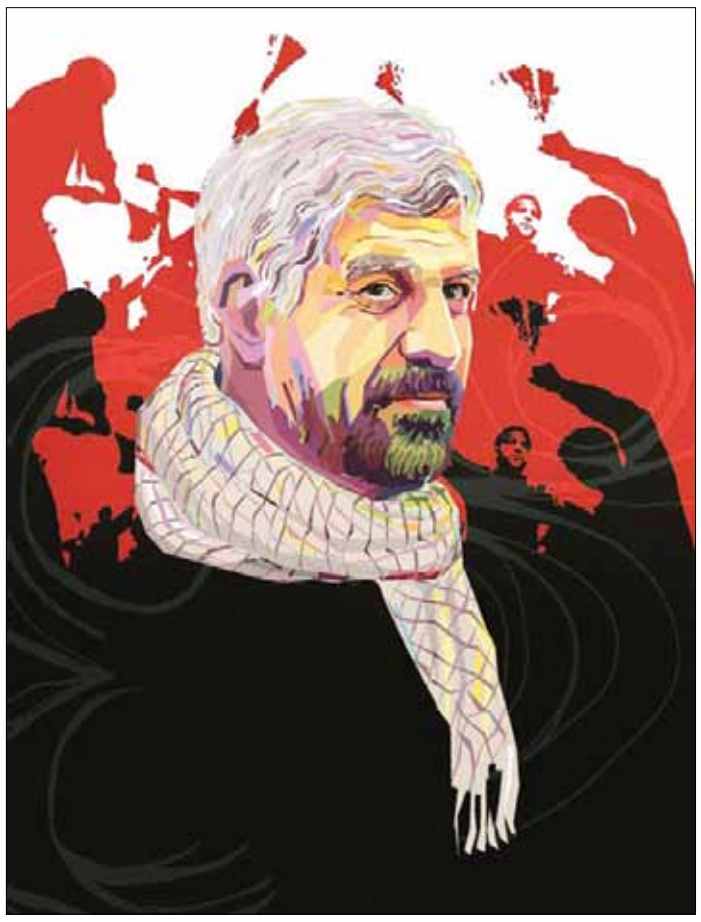

پس از ۸ روز رقابت آثار فیلمسازان در سینما فلسطین، آیین اختتامیه پنجمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار، شب گذشته با معرفی برگزیدگان و تقدیر از حاج‌صادق آهنگران در سینما فلسطین تهران برگزار شد. به گزارش فارس، پس از ۸ روز رقابت آثار فیلمسازان در سینما فلسطین، آیین اختتامیه پنجمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار، جمعه شب ۱۹ دی‌ماه در سالن شماره یک سینما فلسطین تهران برگزار شد. در این مراسم بخش‌های فیلم داستانی، مستند، انیمیشن، بین‌الملل و برنامه‌های تلویزیونی برگزیدگان خود را از بین نامزدهای اعلام‌شده خواهند شناخت. براساس همین گزارش، در این مراسم از سوی اصحاب جبهه فرهنگ و هنر انقلاب از حاج‌صادق آهنگران، مداح اهل‌بیت و حماسه‌خوان ایام دفاع مقدس تقدیر به عمل آمد. همچنین از ترانه جدید حامد زمانی با عنوان «و این اول عشق است» با موضوع رویش‌های هنر انقلاب پس از فتنه ۸۸ رونمایی شد. این مراسم که از ساعت ۱۸:۳۰ در سینما فلسطین (واقع در تقاطع خیابان ولیعصر و طالقانی) برگزار شد، برای عموم مردم آزاد بود و همچنین مانند افتتاحیه این مراسم به طور زنده از طریق شبکه نمایش پخش شد. بنابر این گزارش، برنامه اکران‌های مردمی جشنواره عمار، در سراسر کشور پس از اختتامیه سینما فلسطین ادامه داشته و کماکان داوطلبان برگزاری اکران‌های مردمی می‌توانند از طریق سامانه ۳۰۰۰۱۸۰۱ یا سایت - a marfilm.ir برای این منظور ثبت‌نام کنند. مراسم شب گذشته در واقع اختتامیه جشنواره عمار نبود و تنها مراسم تقدیری است از فیلمسازانی که آثار خود را برای حضور در جشنواره فیلم عمار ارسال کرده‌اند. مراسم اختتامیه برای این جشنواره همیشه آغازی برای ازسرگیری فعالیت مسؤولان، اکران‌کنندگان و فیلمسازان عماری در تولید، توزیع و پخش فیلم‌های انقلابی و اسلامی بوده است. در این دوره از جشنواره عمار هم مانند دوره‌های پیش شاهد رویش‌های فراوانی بودیم که این را می‌توان در میان آمار و ارقامی که مسؤولان جشنواره به رسانه‌ها ارائه دادند مشاهده کرد. البته دیدن آثار فیلمسازان ایرانی و خارجی می‌تواند نمای بهتری از این رویش‌ها را به بینندگان نشان دهد. رویشی که در سطح فیلمسازی عماریون و تعداد فیلم‌های داستانی و فیلم‌های خارجی جشنواره به وضوح قابل رویت است. جشنواره فیلم عمار محفلی است برای دور هم جمع شدن سالانه فیلمسازانی که با شعار «صدور انقلاب به قلب‌های مردم جهان» گرد هم می‌آیند و به هم‌اندیشی و هم‌افزایی و ارتقای توانایی‌های فیلمسازی خود می‌پردازند. برگزاری کارگاه‌های فیلمسازی در این دوره از جشنواره و سخنرانی‌های متفاوت سخنرانان همیشگی این جشنواره نشان داد که باید منتظر پیشرفت چشمگیری در ارتقای سطح فیلمسازان جوان و پردغدغه این جشنواره مردمی باشیم. در این دوره علاوه بر افزایش کمی فیلم‌های ایرانی و خارجی که به دبیرخانه ارسال شد، شاهد رشد کیفی فیلم‌ها نیز بودیم. فیلم‌هایی که عمیق‌تر شده بودند و سینمایی‌تر به سوژه‌هایی که سال‌ها در سینمای ایران مورد غفلت قرار گرفته بودند، می‌پرداختند. مردمی شدن سینمای ایران توسط فیلمسازانی که براساس دغدغه‌های دینی و ایدئولوژیکی به این فرم از هنر روی آورده‌اند مهم‌ترین هدفی است که توسط جشنواره عمار دنبال می‌شود. تا اینجای کار این جشنواره توانسته گام‌های مثبتی را در این زمینه بردارد، این را می‌توان در گفت‌وگو با مردم، مسؤولان، داوران، اکران‌کنندگان و فیلمسازان که هریک به نحوی در این جنبش فرهنگی نقش دارند مشاهده کرد. مهدی نقویان یکی از فیلمسازانی است که در این دوره از جشنواره با فیلم‌های «رمز و راز ملکه» و «گرم‌ترین روزهای زمستان» حضور داشت. او درباره فیلم «رمز و راز ملکه» که درباره ملکه انگلستان است، می‌گوید: بسیاری از کارگردان‌های باتجربه درباره این مستند آرشیوی می‌گفتند که استانداردهای روز فیلمسازی در دنیا، به‌خوبی در این کار رعایت شده است. البته چون جنس کارهایم بیشتر از این نوع بوده است، تجربه زیاد باعث شد تا بتوانم مستندی قوی بسازم. محمدعلی باشه‌آهنگر یکی از فیلمسازانی است که با حضور در سینما فلسطین و دیدن این فیلم به تایید این مستند آرشیوی پرداخت. فیلمی که با ظرافت‌های سینمایی به افشای پشت پرده‌ها و ناگفته‌های سلطنت در انگلستان می‌پردازد. این فیلم تنها یکی از مستندهای خوبی بود که در هفته گذشته در جشنواره عمار به نمایش درآمد. معین مومنیان، مسؤول برگزاری جشنواره فیلم عمار در استان اصفهان به نوعی دیگر با این جشنواره در تعامل است. او می‌گوید: جشنواره اول و دوم فیلم عمار در اصفهان اصلا نماینده نداشت و به صورت موردی درخواست اکران فیلم‌ها مطرح می‌شد. در جشنواره سوم یک رابط در استان وجود داشت که هرکس تقاضای اکران داشت، بسته‌های اکران را از او می‌گرفت و توزیع می‌کرد. در جشنواره چهارم قرار شد این رابط تبدیل به دبیرخانه شود و جشنواره به‌طور مستقل در اصفهان برگزار شد. سال گذشته صرفا دبیرخانه توانست در کل استان جشنواره را برگزار کند اما امسال دبیرخانه به‌طور مستقل قصد دارد که فیلم‌های مربوط به اصفهان را داوری کند، در ضمن همه ۲۵ شهرستان استان اصفهان جزو اکران‌کننده‌های ما هستند. اوایل بهمن‌ماه این جشنواره به طور رسمی در اصفهان شروع می‌شود. او تاکید می‌کند: در نقاط مختلف کشور سلیقه مردم درباره فیلم‌ها متفاوت است و نکته مثبت جشنواره عمار این است که توانسته همه سلیقه‌ها را تأمین کند و آثار آن به سلیقه بیشتر مناطق و فرهنگ‌ها نزدیک است. به‌عنوان مثال برخی آثار در نقاط غربی و برخی دیگر در نقاط کویری و شرقی اصفهان استقبال شدند. این فیلم‌ها باعث شد افرادی که حرفی برای گفتن دارند برای ساخت فیلم ترغیب شوند. مسؤول برگزاری جشنواره عمار درباره تأثیر برگزاری این جشنواره می‌گوید: در این جشنواره بخشی به نام «فیلم ما» برای افرادی که نمی‌خواهند فیلم حرفه‌ای بسازند، وجود دارد. می‌توانم بگویم از هر ۱۰ اکران ۹ اکران مخاطبان را برای شرکت در بخش فیلم ما ترغیب کرد. به‌عنوان مثال ما شهر کوچکی به نام «هرند» داریم که بچه‌های آنجا دوربین برای مستندسازی تهیه کردند و کار خود را شروع کردند و الگوگیری اصلی آنها از جشنواره عمار است. آنها گاهی با ما تماس می‌گرفتند و می‌گفتند به ما کمک کنید تا درباره معضلات منطقه خود فیلم بسازیم. در قضیه فتنه ۸۸ بعد از دیدن فیلم‌هایی با این مضمون مثل «من مدیر جلسه‌ام» دید مردم به حقایق روشن‌تر شد. فیلم «لکه» هم تأثیر خوبی داشت و توانست دیدگاه مردم را نسبت به اتفاقات ۸۸ تغییر دهد. فیلم‌هایی مثل «تنه قربان» هم تأثیرگذاری زیادی در میان مردم داشتند.

سیدسعید صدرزاده، کارگردان «عشق علیه‌السلام» دیگر فیلمسازی است که در پنجمین جشنواره فیلم عمار حضور دارد. او ۴ اثر برای این جشنواره ارسال کرده است که از این بین دو اثر در جشنواره پذیرفته شده و یکی از آنها در بخش مسابقه قرار گرفته است. او می‌گوید: سوژه‌ها و اهدافی در جامعه ایرانی وجود دارد که تقریبا از سینما حذف شده و شامل دغدغه‌های همکاران سینمایی نمی‌شود. از طرفی هم اگر این دغدغه‌ها مورد نظر سینماگر باشد، برچسب خاص سفارشی‌سازی و... می‌خورد. جشنواره عمار راه را برای بسیاری از افراد که این اهداف را دنبال می‌کنند، باز کرده است. این جشنواره راه را برای بچه‌هایی که نام و نشان خاصی ندارند و جایی برای فعالیتشان نبود باز کرده است. اکثر بچه‌هایی که آثارشان در این جشنواره شرکت می‌کند، به‌خاطر علاقه به خود جشنواره عمار در این رویداد فرهنگی حاضر می‌شوند اگرنه جوایز آنچنانی به آنها داده نمی‌شود. هنوز هم نگاه مثبتی نسبت به فیلمسازان انقلابی وجود ندارد اما جشنواره عمار به تدریج موجی ایجاد کرد و می‌کند که این نوع نگاه‌ها کمرنگ شود و عرصه برای فعالیت دیگران باز شود. در حالی که هر لحظه اخبار جدیدی از دبیرخانه پنجمین جشنواره فیلم عمار برای خبرگزاری‌ها ارسال می‌شود، به مراسم تقدیر از فیلمسازان عماری نزدیک می‌شویم. از «موج تقدیر هنرمندان از حاج‌صادق آهنگران» گرفته تا «خط‌شکنی عمار پنجم در حوزه آموزش» همگی نوید سینمایی را به ما می‌دهد که در پیچ تاریخی زمان در حال متحول شدن به دست جوانان انقلابی ایران اسلامی است.

لازم به ذکر است تا لحظه تهیه گزارش هنوز منتخبان جشنواره مشخص نشده بودند؛ در شماره فردا فهرست کامل جوایز و منتخبان جشنواره منتشر خواهد شد.

مردی که صدایش موجب خروش «غیرت» شد

در تعریف‌های شیک و فانتزی امنیت ملی و منافع دیپلماتیک، اگر کسی بتواند طوری بر انگیزه و توان مرزبان‌ها و رزمنده‌ها اثر بگذارد که درصدی به توفیق آنها در حفظ خاک ایران کمک کند، چقدر قیمت دارد؟ به گزارش تسنیم، محمدحسین بدری در سرمقاله‌ای نوشت: برای ما که قبل از جنگ ۸ ساله با عراق، خاطره و تصویری از جنگ نداشتیم، همه اتفاق‌های سخت و شیرین جنگ، تازه و ناگهانی است. مثل تجربه‌های مختلف کودکی که در میان بقیه آدم‌ها زندگی می‌کند اما بیشتر اتفاق‌هایی که برای او و در اطرافش می‌افتد، تجربه اول به حساب می‌آید. درگیری‌های مختصر و پراکنده مرزی با عراق، حضور تعدادی از نیروهای ارتش در زمان شاه، عرض و طولی نداشت که چیزی در ذهن و خاطر مردم یک سرزمین باقی بگذارد. حمله سال ۱۳۵۹ عراق به مرزهای غربی ایران، مجموعه مفصلی از اولین تجربه‌های نسلی از تاریخ سرزمین ایران بود که هرگز خود را در میان جنگی بزرگ نیافته بودند. برای ما که پای منبر و در هیأت بزرگ شده‌ایم، جنگ پدیده‌ای است که فرمانده سپاه حقیقت در آن به حسین(ع) نسب می‌برد. برای ما که نیمی از داستان‌های کودکی را در ماجرای عاشورا یافته بودیم، «فرمانده کل قوا» یک سمت نظامی نبود. برای ما، جنگ مفهوم عجیبی داشت از غربت، تشنگی، حماسه و مردانگی و به میدان آوردن همه چیزهایی که هواداران حقیقت با خود دارند. جان و مال و فرزند و آن یکی فرزند و خرده‌طلاهای توی خانه و ترشی و مربایی که برای جبهه درست کرده‌ایم، جنگ در نظر ما که در هیأت بزرگ شده‌ایم، پدیده‌ای است که برای شرکت در آن، دست توی شناسنامه می‌بریم، خواهش می‌کنیم، آشنا پیدا می‌کنیم که ما را ببرد به منطقه‌ای که احتمال مرگ در آن زیاد است. در جنگی که ما می‌شناسیم، هرکس به اهل نبرد، آب برساند، نامش سقاست و جوان نورسته و نوجوان تازه‌بالغ و کودک خردسال و نوزاد شیرخواره، جزو ساز و برگ نظامی به حساب می‌آیند. در آن جنگ که ما می‌شناسیم، آن‌کس که بیرق به دوش می‌کشد، «علمدار» است و ما برایش جان‌مان را می‌دهیم و هر بلایی که با جنگ به ما می‌رسد، از بزرگ‌ترین مصیبت عالم در سرزمین نینوا کوچک‌تر است. وقتی جنگ، از مرزهای غربی به ما حمله کرد، قصه کربلا جلوی چشم‌های ما بود. مرگ، برابر چنین ادبی، زانو می‌زند که هرکس از مرگ نترسد، از هول آن بیرون می‌آید. در جنگی که ما می‌شناسیم، هرکس کشته شود، نسب به ارباب تشنه‌ای می‌برد که اشرف اولاد آدم است، هر برادر از دست داده‌ای در صف مریدهای زینب(س) می‌ایستد و هر طفلی جیره‌خوار علی‌اصغر است. معنی جنگیدن در چنین جنگی و برای این آدم‌ها جنگ‌های رایج دنیا فرق می‌کند. برای نسلی که در مسجد و هیأت بزرگ شده و تجربه‌های اجتماعی خود را از آنها به دست آورده، کسی مثل «صادق آهنگران»، تبلیغات‌چی جنگ نیست. بشارت‌دهنده‌ای است که مژده جهاد می‌دهد. به دوستان خاص خداوند که از قضا بنده‌های او هم هستند. آهنگران، غیر از وجه خاطره‌انگیزی که برای چند نسل از آدم‌های این سرزمین دارد و اتفاقا از همان نسل است که فرمانده در نظرش، حضرت ارباب- علیه‌السلام- است و ما را دائم به بار بستن برای سفر کربلا فراخوانده. در روزگاری که راه کربلا بسته بود و به نظر می‌آمد در همان وضع بماند، آنها که در هر مراسم مهدیه تهران شرکت می‌کردند، وقت بیرون رفتن سرود- نوحه‌ای می‌خواندند که اوج آرزوهای این جماعت هم بود. می‌خواندند:

ز ایران آماده باشید/ کربلا در انتظار است

دشمن بعثی کافر چون که در حال فرار است در روزهایی که جنگ بود، ما فکر نمی‌کردیم چنان‌که امام گفته، جنگ مساله اصلی کشور است و همه تلاش می‌کنند بچه‌های این سرزمین بر دشمن غلبه کنند، غافل از اینکه عده‌ای سعی می‌کردند جنگ به هر قیمتی تمام شود. یعنی رفقا از همان ۲۶-۲۵ سال پیش حال انجام کاری را نداشته‌اند؟ می‌گویند بچه‌های جنگ صادق آهنگران را خیلی دوست می‌داشته‌اند. بچه‌های جنگ، یعنی مردمی که اطلاق نام «مرد» بر آنها، باعث می‌شد دفاع برابر تجاوز دشمن، کاری طبیعی و قهری باشد. می‌گویند جناب آهنگران، صدا و حنجره بچه‌های جنگ بوده و رزمنده‌ها دائم از سر و کولش بالا می‌رفته‌اند. می‌گویند لحن و صدا و شعر صادق آهنگران غیرت آدم‌ها را تقویت می‌کرده و عزم مردانه آنها را برای ستیز با دشمن بیدار کرده است. می‌گویند- و راست می‌گویند- که جنگ با کسی شوخی ندارد و اگر کسی از سر هیجان و جوزدگی تا جایی رفته باشد، اولین رفتارهای خشن جنگ، او را پشیمان می‌کند. بهمن جلالی که از عکاس‌های مشهور بود و اوایل جنگ، چند سفر تا جبهه رفته بود و مجموعه عکس‌هایی از جنگ داشت، می‌گفت جنگ خیلی جدی بود و وقتی پرسیدند چرا در سال‌های بعدی جنگ، دیگر عکس جنگ ندارد، گفت جنگ خیلی جدی بود و آدم‌ها را جدی جدی می‌کشتند. کاوه گلستان هم که در میان مجموعه‌های مشهور عکس‌هایش، دو سری ارزشمند عکس‌های انقلاب و عکس‌های جنگ هم هست، حرفی شبیه همین می‌زد. یعنی هرقدر حرفه‌ای باشید و معلوم باشد برای چه به جنگ رفته‌اید، خشونت یک جنگ حرفه‌ای ـ مثل آنچه سراسر غرب و جنوب کشور درگیر آن بود ـ می‌تواند انگیزه‌های شما را تغییر دهد. خود آهنگران می‌گوید شأن بچه‌هایی که با اعتقاد به میدان جهاد با دشمن آمده بودند، بالاتر از آن است که آنها را به رفتار غیرعقلانی متهم کنیم و بگوییم کسی که برای صدا یا نوحه مثل آهنگران، جانش را برداشته آمده توی بیابان و دشت و رمل و کوهستان که چه کند؟ اگر قبول کنیم جناب آهنگران که زمان جنگ، بیشتر وقت‌ها توی منطقه‌های جنگی برای رزمنده‌ها می‌خواند، انگیزه آنها را برای مقابله با دشمن تقویت می‌کرده که فلان حمله دشمن به دلیل مقاومت رزمنده‌های ایرانی چند کیلومتر عقب‌تر متوقف شود و همه این ۸ سال را سنگر به سنگر و خط به خط جابه‌جا شده و به حفظ مرزهای این سرزمین کمک کرده، کار کمی انجام داده است؟ در تعریف‌های شیک و فانتزی امنیت ملی و منافع دیپلماتیک، اگر کسی بتواند طوری بر انگیزه و توان مرزبان‌ها و رزمنده‌ها اثر بگذارد که درصدی به توفیق آنها در حفظ خاک ایران کمک کند، چقدر قیمت دارد؟ در حفظ همان خاک که ۴۰-۳۰ کشور دنیا پشت صدام ایستاده بودند که یک وجب بیشترش را از ایران جدا کند. خاکی که منابع آب و نفت و کشاورزی و معدن در آن است و یک نفر- یا چند نفر- مرزهای درگیر جنگ را در مدت ۸ سال سروته کنند که همین خاک محفوظ بماند. چنین امکانی، چند آلبوم عکس لبخند با جان کری را می‌خرد و آزاد می‌کند؟

اخبار

صدای عمر مختار خاموش شد

احمد رسول‌زاده، هنرمند پیشکسوت عرصه دوبله در سن ۸۴ سالگی از دنیا رفت. به گزارش ایسنا، این هنرمند که چند سالی بود از بیماری «پارکینسون» رنج می‌برد، صبح دیروز ۱۹ دی‌ماه در بیمارستان «ایرانمهر» درگذشت. دختر او خبر درگذشت پدرش را تایید کرد و گفت: او طی چند روز گذشته حالش وخیم شده بود و در بیمارستان بستری بود. احمد رسول‌زاده سال ۱۳۰۹ در تبریز متولد شد، او از سال ۱۳۳۲ به طور حرفه‌ای به کار دوبله مشغول شد. او در فیلم سینمایی «عمرمختار» به جای آنتونی کویین صحبت کرده است. این پیشکسوت دوبله به جای هنرپیشگانی مانند اورسن ولز در فیلم‌های «تابستان گرم و طولانی» و «مردی برای تمام فصول»، «لایونل باریمور» (جدال درآفتاب) و رالف ریچاردسن (دکتر ژیواگو) صحبت کرده است. از جمله فیلم‌های ایرانی که رسول‌زاده در آن گویندگی کرده است، می‌توان به «آخرین تک‌سوار»، «تصویر آخر»، «مادیان» و «رسول پسر ابوالقاسم» اشاره کرد. این پیشکسوت دوبله، مدیریت دوبلاژ فیلم‌های مطرحی چون «پدرخوانده»، «بن هور»، «تابستان گرم و طولانی»، «جدال در آفتاب»، «وداع با اسلحه» و «فرار بزرگ» را برعهده داشته است. او صدای نسبتا ثابت محمدعلی کشاورز در عمده آثارش بوده است و همچنین به‌جای جمشید مشایخی هم در برخی از فیلم‌ها صحبت کرده است. علاوه بر دوبله، او گویندگی برنامه‌های مستند متعددی را بر عهده داشته که از جمله آنها، سلسله برنامه مستند حیات وحش ایران است. رئیس انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم «خانه سینما» با ابراز تاسف از درگذشت احمد رسول‌زاده گفت: حرفه دوبله به این هنرمند ارزشمند که همواره کارش را به‌درستی انجام می‌داد، مدیون است. رضا آشتیانی‌پور در گفت‌وگویی با ایسنا، درباره احمد رسول‌زاده، پیشکسوت دوبله که صبح جمعه ۱۹ دی‌ماه در بیمارستان ایرانمهر درگذشت، بیان کرد: جایگاه ایشان در حرفه دوبله مشخص است، چرا که از بنیانگذاران دوبله بودند. آقای رسول‌زاده از جهت اخلاق، رفتار و منش ویژگی‌هایی داشت که موقعیت او را در میان همکارانش آن هم با توجه به سلامتی‌ای که در کار داشت، متمایز می‌کرد. وی با اشاره به اینکه در چند سال گذشته احمد رسول‌زاده به دلیل کهولت سن و بیماری خیلی فعال نبود اما به هر حال سایه‌اش بود و دوستانش هر از گاهی با او دیدار می‌کردند، افزود: وقتی چنین افرادی را از دست می‌دهیم همه داغدار می‌شوند و ناراحتی سر می‌دهند که ای وای او نوستالژی بود و خاطرات قدیمی را زنده می‌کرد، اما در زمان حیات چنین کسانی کاری انجام نمی‌شود. آشتیانی‌پور در این باره اظهار کرد: مثلا در حال حاضر می‌بینیم کارهایی با کیفیت پایینی در سینما، تلویزیون یا شبکه‌های تصویری پخش می‌شود، اما کسی جوابگو نیست و حتی با ما برخورد خوبی هم نمی‌شود. در حالی که می‌بینیم مافیایی آمده که در حال نابود کردن دوبله است. او ادامه داد: تمام انگیزه و قصه این داستان هم مالی است ولی کسی به درد ما نمی‌رسد. ما می‌خواهیم کسانی را که در این حوزه خوب فعالیت کنند وارد کنیم، اما توجهی نمی‌شود و بیشتر دلالان هستند که کار می‌کنند. این در حالی است که اینگونه افراد شایستگی حضور در این عرصه را حتی در یک نظام غیراسلامی هم ندارند. آشتیانی‌پور گفت: آنچه برای ما غم است فقط از دست دادن رسول‌زاده به صرف از دست رفتن فیزیکی او نیست، چون حضور او همواره در دل ما و در استودیوها احساس می‌شود، اما درد آنجاست که در شبکه‌های زیرزمینی عده‌ای حتی از طریق هدایت برخی در داخل تلویزیون، دوبله‌هایی را انجام می‌دهند که با غلط‌های فاحش گفتاری به زبان و هنر دوبله آسیب می‌زنند. این هنرمند عرصه دوبله افزود: وقتی دوبله خوب در داخل کشور از بین برود، آن وقت مقاومت در مقابل سریال‌های خارجی و آنهایی که عوارض فرهنگی دارند به حداقل می‌رسد، در حالی که همه ادعا می‌کنند به فکر فرهنگ و هنرمندان هستند، آیا این توجه به هنرمندان، فقط حضور در مراسم تحریم، فرستادن دسته‌گل یا پیام است؟ آشتیانی‌پور تاکید کرد: ما فقط می‌خواهیم از خانه‌نشین شدن بچه‌های دوبله و بی‌آبرو کردن این حرفه جلوگیری شود، چرا که انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم جزو قدیمی‌ترین صنف‌های سینما است که پیش از انقلاب تاسیس شده است و بسیاری از اعضای این انجمن زندگی خود را با چنگ و دندان می‌گذرانند. بنابراین ما پول اضافه‌ای نمی‌خواهیم، فقط می‌خواهیم کار دوبله به کسانی که اهلش نیستند، سپرده نشود و این درخواست زیادی از مسوولان نیست.

■■■

«جلال‌الدین» روی آنتن رفت

سریال «جلال‌الدین» ساخته شهرام اسدی و آرش معیریان در ۱۱ قسمت ۴۸ دقیقه‌ای درباره زندگی مولوی، شاعر پرآوازه ایرانی تولید شده است که جمعه‌ها ساعت ۲۲:۱۵ از شبکه یک سیما پخش خواهد شد. به گزارش سینماپرس، سریال «جلال‌الدین» که توسط شهرام اسدی و آرش معیریان کارگردانی شده، درباره زندگی و مدارج معرفتی و علمی جلال‌الدین محمد بلخی معروف به مولوی است. اولین قسمت این سریال تاریخی به تهیه‌کنندگی مهدی همایونفر جمعه ۱۹ دی ساعت ۲۲:۱۵ از شبکه یک سیما پخش شد.